مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال چهاردهم، شمارهٔ چهارم، زمستان ۱۴۰۲

مقاله اصیل پژوهشی
(حکمت و فلسفه)

بررسی تحلیلی ـ انتقادی دوبینی در حکمت سینوی ازنظر اختلال در کارکردهای حس مشترک

محمود صیدی[الف*]، احسان کردی اردکانی[ب]

[الف]گروه فلسفهٔ اسلامی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

[ب]گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

چکیده

یکی از مباحث ادراکات بصری، عارض‌شدن اختلال دوبینی یا لوچی در برخی انسان‌هاست که در این صورت اشیای خارجی دو بار دیده می‌شوند. ابن‌سینا اولین فیلسوف مسلمانی است که درصدد یافتن علل عارض‌شدن این اختلال به قوهٔ بینایی انسان برمی‌آید. هدف این پژوهش بررسی علت دوبینی در حکمت سینوی است. روش این پژوهش از نوع تحلیلی‌ـانتقادی است که با رجوع به منابع کتابخانه‌ای به بررسی اختلال دوبینی در حکمت سینوی می‌پردازد. عواملی که ابن‌سینا برای تبیین این پدیده ارائه می‌دهد بر مبنای کارکرد حس مشترک و نقش آن در دریافت و ادراک صورت‌های حسی است. با توجه به این‌که حس مشترک، قوه‌ای است که ادراکات همهٔ حواس پنج‌گانه به آن وارد می‌شوند و این قوه نقش اساسی در ادراکات حسی دارد، از منظر ابن‌سینا تطبیق‌نیافتن صورت‌های علمی در آن، اختلال در آلات یا اعضای مادی، تخیل دو صورت علمی از یک شیء خارجی و ورود آن به حس مشترک از دلایل روی‌دادن اختلال دوبینی در انسان هستند.

کلیدواژه‌ها: دوبینی، چشم، حس‌یافت، تخیّل

تاریخ دریافت: آبان ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: اسفند ۱۴۰۲

مقدمه

چشم‌پزشکی و علوم مرتبط با آن در میان دانشمندان یونانی و رومی چندان شناخته‌شده نبود و دانشمندان مسلمان آن را توسعه دادند (۱)؛ لذا در این زمینه مکتب طب اسلامی از یونانیان بسیار پیش افتاد (۲). شاید شاخص‌ترین خدمت دانشمندان مسلمان در این زمینه، نقش نور در بینایی باشد که در آثار دانشمندان یونانی اندک بود (۳). بدون وجود نور و در تاریکی محض، دیدن امکان ندارد.

یکی از مسائل مهم در مورد ادراک بینایی، چگونگی حصول رؤیت است؛ به این معنا که طی چه فرایندی دیدن یک شیء خارجی اتفاق می‌افتد. نظریات افلاطون و ارسطو بنیان دیدگاه‌های بعدی دانشمندان مسلمان در این زمینه شد، به‌گونه‌ای که خروج شعاعی نوری از چشم و برخورد آن با شیء خارجی (نظریهٔ شعاع افلاطون) یا خروج صورت از شیء خارجی و ورود آن به چشم انسانی، سبب رؤیت آن می‌شود (نظریهٔ انطباع ارسطو) (٤). یکی از مباحثی که با پذیرش هریک از این نظریات مطرح می‌شود، این است که اختلال یا بیماری دوبینی چگونه اتفاق می‌افتد؟ یا به بیان ساده‌تر چه حالتی بر شخص عارض می‌شود که با این‌که مدرک خارجی یکی است، دو تا دیده می‌شود؟ در مورد کیفیت حصول ادراک، هر نظریه‌ای که در مورد ابصار مطرح شود در مورد سایر ادراکات حسی یعنی شنوایی، لامسه و ... نیز یکسان است. این‌که آیا اختلالی مانند دوبینی در سایر ادراکات حسی روی می‌دهد یا خیر و نیز بررسی تفصیلی این موضوع از منظر فلسفی، به تحقیقات مستقلی نیاز دارد. ظاهراً در حس شنوایی چنین امری اتفاق می‌افتد و در آثار ابن‌سینا اشاراتی گذرا نیز به توهم شنیداری شده است.

ابن‌سینا یکی از برجسته‌ترین طبیبان و فیلسوفان مسلمان است که در مورد ادراک بینایی و چگونگی حصول آن، نظریات شاخص و برجسته‌ای دارد که تأثیر بسیاری بر فلاسفهٔ بعد از او گذاشته است. از این لحاظ یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که این متفکر بزرگ مسلمان با آن مواجه شد، چگونگی روی‌دادن پدیدهٔ لوچی یا دوبینی در انسان است. پرسش اصلی این است که چرا برخی از انسان‌ها در برخی موارد، اشیای خارجی را دو

* فرد مسئول مکاتبات: m.saidiy@shahed.ac.ir

تا می‌بینند؟ به بیان دیگر، قوهٔ بینایی انسان در این هنگام به چه اختلال ادراکی‌ای مبتلا می‌شود؟ درمان دوبینی مسلماً مسئله‌ای فلسفی نیست و مربوط به حوزهٔ طب است که ابن‌سینا نیز در مقام طبیب راهکارهایی در این مورد ارائه داده، اما مسئلهٔ پژوهش حاضر بررسی فلسفی دوبینی و علل روی‌دادن آن در فلسفهٔ ابن‌سیناست.

ابن‌سینا ازجمله حکیمانی است که سعی داشته به این مسئله پاسخ دهد و عللی را در تبیین این اختلال بینایی ـادراکی ارائه کرده است. برخی نیز مانند فخر رازی (۵) و ملاصدرا (٦) به نقل عبارات و نظریهٔ ابن‌سینا اکتفا کرده‌اند بدون این‌که نظریهٔ جدیدی را در این زمینه ارائه دهند. تاکنون هیچ پژوهشی در مورد بررسی نظریهٔ ابن‌سینا در این مورد انجام نشده است. این پژوهش براساس منابع کتابخانه‌ای با محوریت آثار ابن‌سیناست. رویکرد مقاله تحلیلی‌ـانتقادی است که با بررسی کتاب‌هایی مانند *قانون*، *نفس شفا*، *اشارات و تنبیهات*، *ادویه قلبیه* و دیگر آثار ابن‌سینا و با محوریت کلیدواژهایی مانند دوبینی، حس مشترک، قوهٔ خیال، روح بخاری، قوهٔ باصره و ... انجام شده است.

نظریهٔ ابن‌سینا در مورد چگونگی روی‌دادن اختلال ادراکی دوبینی مبتنی بر مبانی فلسفی او در نظام حکمت مشائی، مانند چگونگی تعلق نفس ناطقه به بدن، قوای ادراکی نفس ناطقه مانند خیال و متخیله، مادی‌بودن ادراکات خیالی و ... است؛ زیرا درهرحال، دوبینی در نظر ابن‌سینا گونه‌ای اختلال ادراکی است که ریشه‌های آن را باید در قوای ادراکی نفس ناطقه و چگونگی کارکرد آنها در نظام فلسفی سینوی جست‌وجو کرد. هرچند ابن‌سینا، برخی از فروعات اختلال دوبینی مانند درمان آن را جزو مسائل طبی و پزشکی می‌داند که درواقع نیز چنین است، اما مسلم است که دوبینی مسئله‌ای ناشی از اختلال در قوای ادراکی و کارکرد آنهاست که عوامل آن را باید در چگونگی ادراک‌شدن اشیای خارجی توسط قوای ادراکی حسی و خیالی جست‌وجو کرد؛ زیرا ادراک‌کنندهٔ حقیقی محسوسات، حس مشترک است (۷) و حواس پنج‌گانه صرفاً نقش آلت و ابزار ادراکی دارند. علاوه بر این، اختلال دوبینی صرفاً در ادراکاتی روی می‌دهد که مدرَک آنها اشیای خارجی محسوس هستند؛ یعنی ادراکاتی که در آنها صورت اشیای محسوس از خارج وارد قوای ادراکی انسان شده و سپس ادراک می‌شود. در مورد ادراکات عقلی، چنین اختلالی در ادراکات پیش نمی‌آید؛ زیرا در ادراکات عقلی به‌دلیل این‌که مفاهیم بسیط و محض هستند، رابطهٔ مستقیمی با محسوسات خارجی وجود ندارد تا این‌که اختلالی در تطبیق با خارج یا ... در آن روی دهد.

شایان توجه است که دوبینی ممکن است مربوط به هر دو چشم باشد یا یکی از دو چشم؛ مثلاً فردی به‌دلیل کوری یا بیماری یا ... صرفاً یک چشم بینا دارد (به‌طور مقطعی یا دائمی) که دچار دوبینی شده است. هرچند در آثار ابن‌سینا، این دو نوع دوبینی از هم تفکیک نشده است.

محل صورت‌های حسی‌بودن حس مشترک

حس مشترک خزانه‌ای است که تصاویر و داده‌های ادراک‌شده توسط حواس پنج‌گانه وارد آن می‌شود. ازاین‌جهت حس مشترک مانند حوض آبی است که از پنج مسیر مختلف آب وارد آن شده و در آن جمع می‌شود. قوهٔ خیال نیز خزانهٔ صورت‌های ادراکی محسوس است که در صورت فراموشی، حس مشترک با استفاده و کمک‌گیری از قوهٔ خیال، آنها را دوباره به یاد می‌آورد (۸). به این دلیل حس مشترک به‌گونه‌ای واسطهٔ میان قوای ادراکی خیال، وهم و عقل با اشیای محسوس و ادراکات حسی است؛ زیرا ادراکات حسی را به خیال، وهم و یا عقل منتقل می‌کند و از سوی دیگر در صورت انتقال تصاویر علمی از قوای گفته‌شده به حس مشترک، فعل ابصار و دیدن یا به‌طور کلی ادراک حسی آن شیء محسوس اتفاق می‌افتد (۹).

درصورتی‌که به هر دلیلی دو صورت علمی از یک شیء محسوس وارد حس مشترک شده و به گونهٔ مستقل ادراک شود، دوبینی اتفاق می‌افتد. به این جهت اگر دو صورت محسوس از یک شیء خارجی از قوهٔ خیال وارد حس مشترک شود یا این‌که صورت علمی از یک شیء خارجی و قوهٔ خیال وارد حس مشترک شود دوبینی اتفاق می‌افتد؛ زیرا حس مشترک مانند آینه‌ای است که هر صورتی که در آن مرتسم شود، ادراک می‌کند: «حسّ مشترک چون آینه است، اگر حسّ ظاهر صورتی گیرد، اندر وی افتد و آنگاه بود ادراک» (۱۰).

ازاین‌جهت درصورتی‌که در حس مشترک، صورتی دو بار حاضر شود، دوبینی رخ می‌دهد. دو بار ادراک‌کردن یک

صورت محسوس ممکن است به دلایل مختلفی روی دهد؛ مثلاً حس مشترک با استفاده از قوهٔ خیال، که خزانهٔ آن است، صورتی را یادآوری کند و در همان لحظه نیز تصویر همان شیء خارجی وارد حس مشترک شود. در این هنگام دو صورت از یک شیء محسوس مورد ادراک قرار می‌گیرد و درنتیجه دوبینی اتفاق می‌افتد. همچنین ممکن است یک صورت علمی به هر دلیلی دو بار وارد حس مشترک شود؛ مانند حرکت سریع متحرکی که قبل از زایل‌شدن تصویر نخستین از حس مشترک، تصویر دیگری وارد آن می‌شود تا این‌که با کنار هم قرارگرفتن این تصاویر، حس مشترک آنها را مانند دایره‌ای نورانی ادراک می‌کند (۱۱). در این هنگام به‌دلیل تکرار ورود صورت‌های علمی، ممکن است شخص دو صورت علمی یا بیشتر از یک شیء خارجی را ادراک کند. یکی از موارد بارز اختلالات ادراکی، توهّم اموری است که وجود خارجی ندارند؛ مثلاً فردی کوهی از طلا را تصور کند یا تصور کند که دیگر زنده نیست و فوت کرده است که موارد بسیاری را در این زمینه می‌توان برشمرد. در این موارد قوهٔ خیال، صورتی غیرواقعی را تصور و تخیل کرده و با ورود به آن حس مشترک مورد ادراک واقع شده است. درصورتی‌که قوهٔ خیال به‌دلیل توهّم یا هر علت دیگری، دو صورت از یک شیء خارجی را توهّم و تصور کند، دوبینی اتفاق می‌افتد.

نمونهٔ دیگر این پدیده در هنگام سرگیجه نیز اتفاق می‌افتد. اگر حس مشترک به‌واسطهٔ بدن یا سر حرکت دوری پیدا کند، انتقال تصاویر نیز به حس مشترک سرعت می‌یابد تا این‌که اشیای پیرامونی را به گونهٔ متحرک دَوَرانی ادراک کند. حال آن‌که اشیای محسوس ساکن بوده و حرکتی ندارند، بلکه ادراک شخص از خارج چنین شده است (۱۱) در دوبینی نیز شیء خارجی ادراک‌شده یکی است، اما ادراک شخص از آن دو تا می‌باشد که همان‌طور که گفته شد اختلالی ادراکی است. مشابه این مورد هنگام تصور صورت‌های عمل غیرمنطبق با خارج نیز اتفاق می‌افتد. حس مشترک گاهی اوقات صورت‌هایی را تصور و ادراک می‌کند که کاذب بوده و با واقعیت و مصداق خارجی منطبق نیستند؛ مثلاً تصور انسان در حال پرواز یا کوهی از زمرّد. البته این‌گونه موارد ممکن است با استعانت از قوهٔ خیال نیز صورت گیرد. درهرحال درصورتی‌که حس مشترک صورتی علمی از یک شیء خارجی داشته باشد و در همان زمان صورت علمی کاذبی را از همان شیء خارجی احضار کند، دوبینی در این حالت نیز اتفاق می‌افتد.

شایان توجه است که حالت دوبینی ممکن است به هنگام یادآوری نیز اتفاق بیفتد. به این صورت که ازنظر ابن‌سینا، قوهٔ خیال حفظ‌کنندهٔ صورت‌هایی است که وارد حس مشترک شده‌اند (۷). در زمان یادآوری، قوهٔ خیال صورت ادراک‌شده را دوباره به حس مشترک انتقال می‌دهد. حال اگر قوهٔ خیال این عمل را دو بار انجام دهد، دوبینی اتفاق می‌افتد.

اختلال محل حس مشترک یا آلات ادراکی آن

از دیدگاه ابن‌سینا همهٔ قوای باطنی انسان، مادی هستند. در میان قوای باطنی، او صرفاً قوهٔ عقل را مجرد از ماده می‌داند و استدلال‌هایی نیز در اثبات مادی‌نبودن قوهٔ عقل اقامه می‌کند. شیخ‌الرئیس حس مشترک را نیز مانند سایر قوای باطنی، جزئی مادی دانسته و محل آن را تجویف اول مغز می‌داند: «حس مشترک قوّتی است که در تجویف اوّل از دماغ رسته است و صورت‌هایی که اندر حواسّ ظاهر (آید)، همه درین قوّت مجتمع شود» (۱۲). ازاین‌جهت صورت‌های ادراکی بصری که از خارج وارد حس مشترک می‌شوند، فرایند مادی را طی می‌کنند؛ زیرا از طریق چشم و سایر قوا یا اعضای سر انسانی نهایتاً وارد حس مشترک می‌شوند.

ازاین‌جهت هرگونه اختلالی که در سر انسان و قوا یا اعضای آن روی دهد، در فرایند ادراک نیز تأثیر خواهد گذاشت. نمونهٔ بارز این مدعا به هنگام سردرد شدید روی می‌دهد که برخی از ادراکات فرد، ضعیف می‌شود، مانند حس شنوایی یا بینایی او. در این هنگام به‌دلیل نبود ارتباط صحیح میان اعضای بدنی با خارج محسوس و ورود تصاویر نامنظم با اختلال تکرار صورت‌ها ممکن است حس مشترک، یک مصداق خارجی را دو تا ادراک کند. همچنین هنگامی که چشمان انسانی دچار انحراف شود، مثلاً یکی منحرف به چپ و دیگری به راست یا یک چشم به‌سوی پایین و دیگری

به‌سوی بالا منحرف شود (۸) دو صورت از یک شیء خارجی وارد حس مشترک می‌شود و مستقلاً مورد ادراک واقع می‌گردد و لذا دوبینی روی می‌دهد (۱۳).

هرچند در این مورد اختلال در آلات حسی ـادراکی به دوبینی منجر می‌شود، اما با توجه به این‌که آلات حسی نقش زمینه‌سازی و اعدادی در ادراک دارند و حس مشترک درحقیقت ادراک‌کننده است، دوبینی باز هم منتسب به حس مشترک می‌باشد. علاوه بر این‌که به‌دلیل مادی‌بودن حس مشترک در نظر ابن‌سینا، ممکن است اختلال یا بیماری در آلات ادراکی به حس مشترک نیز سرایت کند.

تطبیق‌نیافتن صورت‌های علمی در حس مشترک

طبق دیدگاه ابن‌سینا، در دیدن، صورت و ماهیت اشیای خارجی از خارج وارد ذهن انسانی می‌شوند. به این جهت، تصاویر اجسام خارجی از طریق چشم وارد حس مشترک می‌شوند؛ زیرا چشم آلت بینایی است. صورتی که در هریک از چشمان انسانی منطبع می‌شود، وارد حس مشترک شده و با تطبیق‌شدن به هم (انطباق کامل)، یکی دیده می‌شود (١٤). انتقال صورت‌های علمی از چشم به حس مشترک توسط روح باصره، که یکی از اقسام روح بخاری است، انجام می‌گیرد. روح باصره متصل به هر دو چشم است تا این‌که رابطهٔ منظم میان دو چشم در بینایی به هم نخورد و مختل نشود (١٥)؛ حس مشترک و قوهٔ خیال نیز عمل ادراک و تطبیق صورت علمی با مدرَک خارجی را انجام می‌دهد. به بیان دیگر، صورت‌های علمی توسط روح باصره از چشمان انسانی وارد حس مشترک شده و سپس مورد ادراک واقع می‌شوند؛ لذا روح باصره اساساً نقشی بنیادین در فرایند ادراک ندارد، بلکه صرفاً واسطهٔ انتقال صورت‌های علمی از چشم به حس مشترک است.

هر صورتی توسط هر چشم و جدا از دیگری [و بدون انطباق با دیگری] به حس مشترک وارد می‌شود و به این دلیل دو صورت مستقل و جداگانه از هم وارد حس مشترک می‌شوند. به‌دلیل این‌که حس مشترک قوهٔ ادراک‌کنندهٔ صورت‌های حسی بوده و خزانهٔ چنین ادراکاتی می‌باشد، ورود دو صورت به آن ملازم با دو ادراک جداگانه است؛ مگر این‌که حس مشترک دو صورت ادراکی واردشده از دو چشم را به‌دلیل تقارن ادراکی، هم‌زمان‌بودن و یکی‌بودن مدرَک تطبیق داده و یک صورت علمی تشخیص دهد؛ زیرا دو تصویر از شیء مرئی موردادراک، وارد آن شده است (١١). نتیجه این‌که به‌دلیل ضعف کارکرد حس مشترک در تطبیق دو صورت علمی از یک شیء مدرَک، هریک مستقلاً ادراک شده و دو صورت جداگانه ادراک می‌شوند و درنتیجه دوبینی اتفاق می‌افتد. ازاین‌جهت ابن‌سینا معتقد است که در صورت تأمل و تعمق شدید نفسانی در مورد شیء مرئی و توجه‌نکردن به اشیای دیگر، ممکن است اختلال دوبینی برطرف شود (١٤)؛ زیرا در این صورت، حس مشترک با دقت بسیار، متوجه منطبق‌بودن دو صورت علمی می‌شود و نهایتاً میان آن دو را تطبیق می‌دهد.

قابل‌توجه است که از دیدگاه ابن‌سینا، همهٔ قوای باطنی [البته به‌جز عقل که مجرد است] ازجمله حس مشترک، مادی هستند (١٦). حس مشترک، صورت‌های محسوس را همان‌گونه که وارد آن می‌شوند، ادراک می‌کند و این قوه نقش تحلیلی ندارد. عمل تفصیل و ترکیب میان صورت‌های علمی توسط قوهٔ خیال، که مصوره نیز نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد.

به‌نظر می‌رسد که تحلیل دوبینی از نظر مختل‌بودن کارکرد حس مشترک با اشکالات چندی مواجه است که عبارت‌اند از:

١) طبق این دلیل اختلال در کارکرد حس مشترک مانع تطبیق‌یافتن دو صورت دریافت‌شده از خارج می‌شود، اما مسئله این است که با نظر به این تحلیل ممکن است اختلال در کارکرد حس مشترک به‌گونه‌ای باشد که یک شیء خارجی اشیای متعددی دیده شود و نه لزوماً دو شیء تا این‌که دوبینی روی دهد؛ زیرا اگر اختلال یا ضعیف‌بودن حس مشترک شدت یابد به همان‌سان اختلال بینایی نیز شدید می‌شود. حال آن‌که ابن‌سینا درصدد تحلیل دوبینی است و برای این مسئله استدلال اقامه می‌کند. به این جهت دلیل ابن‌سینا در این قسمت، از مدعای او عام‌تر است.

٢) یکی از بیماری‌های بینایی انسان، اختلال در مکان شیء خارجی یا مبصر است، به‌گونه‌ای که ممکن است فردی صورتی را در مکانی ببیند حال آن‌که در حقیقت شیء موردنظر در مکان دیگری باشد. مانند حالتی که در سراب اتفاق می‌افتد

که این حالت نیز شبیه صورت غیرواقعی در دوبینی است. طبق مبانی ابن‌سینا، دلیل روی‌دادن چنین پدیده‌ای نیز لزوماً حس مشترک است؛ زیرا نفس ناطقه به‌واسطهٔ حس مشترک، اشیای مرئی را ادراک می‌کند، اما مسئله این است که تحلیل بیان‌شده از سوی ابن‌سینا از تبیین چنین مواردی عاجز می‌باشد.

۳) با این دلیل نمی‌توان به تبیین دوبینی در افراد دارای یک چشم پرداخت. توضیح این‌که برخی از انسان‌ها صرفاً یک چشم دارند که ممکن است به دلایل مختلفی مانند ژنتیکی، تصادف و ... دچار این وضعیت شده باشند. ابتلای همین انسان‌ها نیز به بیماری دوبینی کاملاً محتمل بوده و ممتنع نیست. به‌دلیل فقدان یک چشم در این انسان‌ها، دو تصویر از شیء خارجی وارد چشمان آنها نمی‌شود تا این‌که حس مشترک بخواهد میان آنها تطبیق کند و اختلال یا ضعف آن مانع انجام چنین فعلی شود. نتیجه این‌که این دلیل صرفاً دوبینی را در افراد دارای دو چشم تبیین می‌کند.

٤) اگر فرض کنیم که هریک از چشمان انسانی، شیء متمایزی را از دیگری ببیند و به آن توجه کند و در عین حال مبتلا به دوبینی باشد، استدلال ابن‌سینا در این مورد کارکرد نخواهد داشت؛ مثلاً هنگامی که دو مداد با رنگ‌های متفاوت جلوی هریک از چشمان انسانی قرار داده شود، هریک از چشم‌ها مدادی کاملاً متفاوت از دیگری را رؤیت می‌کند. بااین‌حال اگر این فرد دوبینی نیز داشته باشد، دو صورت از یک شیء وارد جلیدیهٔ چشمان او نشده است تا اختلال حس مشترک به دوبینی منجر شده باشد.

ثبات‌نداشتن حس مشترک

دلیل دیگری که ابن‌سینا برای تبیین دوبینی ارائه می‌دهد، چرخش و تموج حس مشترک یا ثبات‌نداشتن آن است. حس مشترک خزانه‌ای است که تصویر صورت‌های علمی از خارج و توسط حواسی مانند چشم به آن وارد می‌شوند و سپس مورد ادراک قرار می‌گیرند. درصورتی‌که حس مشترک ثبات داشته باشد، دو صورت علمی واردشده از خارج توسط چشمان را به هم تطبیق می‌دهد و یک صورت ادراک می‌شود، اما اگر حس مشترک ثبات نداشته باشد و لذا دچار چرخش به جهات شود یا دارای حالت تموج گردد، هریک از صورت‌های واردشده به آن را مستقل و متمایز ادراک می‌کند و درنتیجه دو صورت ادراک می‌شود مانند این‌که در آب راکد و ساکن صرفاً یک تصویر از خورشید انعکاس می‌یابد و انسان آن را رؤیت می‌کند، اما درصورتی‌که موجی در آب افتد، بسته به شدت یا ضعف امواج، تصاویر متعددی از خورشید در آب دیده می‌شود؛ زیرا هنگام رؤیت تصویر خورشید در آب، زاویه‌ای از برخورد شعاع خورشید و خط شعاعی چشمان انسانی به آب تشکیل می‌شود. این زاویه که مانند آینه عمل می‌کند، ثابت نیست و به یک حالت باقی نمی‌ماند، بلکه هنگام موج‌دارشدن آب در چندین جهت تلاقی می‌کند به‌گونه‌ای که بیشتر از یک تصویر تشکیل می‌شود و لذا مورد ادراک واقع می‌شود. دقیقاً به همین دلیل، تموّج حس مشترک باصره سبب تشکیل زوایای متعدد و در پی آن پدیدآمدن صورت‌های متکثر و ادراک آن می‌شود (۱۱).

مثال دیگری نیز که ابن‌سینا در عبارات خویش به آن اشاره می‌کند، آینه است؛ به این‌گونه که به هنگام ثابت‌بودن آینه، یک تصویر در آن انطباع می‌یابد، اما درصورتی‌که فردی آینه را به جهات چپ و راست بچرخاند، تصاویر متعددی شکل می‌گیرد و ادراک می‌شود. دلیل این مطلب، یکی‌بودن زاویهٔ شکل‌گرفته به هنگام ثبات آینه و تعدد زوایا در موقع چرخش آینه است (۱۱). انعکاس صورت‌های علمی در حس مشترک نیز در صورت ثبات‌نداشتن آن، به ادراک دو صورت علمی از یک چیز منجر می‌شود. علاوه بر دلایل جسمانی، یکی از موارد ثبات‌نداشتن حس مشترک، تغییر دائمی روح بخاری است. روح بخاری در نهایتِ لطافت است و قابلیت زیادی برای پذیرش حرکت دارد. اگر فرض شود که علت ثابتی سبب انتقال تصویر از جزئی به جزء دیگر باشد، روح بخاری باید به‌سوی آن حرکتی کند تا این‌که تصویر موردنظر را از مبدأ به منتهی برساند (۱۱). هنگامی که قوهٔ باصره همراه با صورت خویش به‌سوی حس مشترک تمایل یا جهش یابد، روح بخاری نیز به‌طرف حس مشترک می‌رود و درنتیجه صورتی را دوباره به حس مشترک وارد می‌کند (۱۱). بنابراین هنگامی که تصویری محسوس به جزئی از روح باصره وارد می‌شود، تمام روح باصره به‌سوی آن جهش می‌یابد. نتیجه این‌که به‌دلیل

لطافتِ بسیارِ روح بخاری و نقش انتقال‌دهندگی در صورت‌های عملی، تغییر آن ممکن است سبب تغییر و عدم ثبات حس مشترک شود.

به‌نظر می‌رسد که انتقادات چندی به این دلیل به ابن‌سینا وارد است:

۱) موج‌دارشدن ممکن است چرخشِ بیش از دو بار باشد؛ زیرا دارای تعدد است وگرنه موجی اتفاق نمی‌افتد. مثال‌های ابن‌سینا نیز همین نکته را نشان می‌دهند. از این‌رو لازمهٔ تموج حس مشترک، دیده‌شدن یک صورت بیش از دو بار مانند سه، چهار یا حتی بیشتر می‌باشد. حال آن‌که ابن‌سینا درصدد تحلیل دوبینی است، نه سایر اختلالات شدیدی که ممکن است بر قوهٔ بینایی انسان عارض شود.

۲) به‌نظر می‌رسد که صدر و ذیل این استدلالِ ابن‌سینا با یکدیگر سازگار نیستند. توضیح این‌که طبق این استدلال، تموج حس مشترک سبب دوبینی می‌شود و در ادامه دلیل این مطلب ارتسام صورت‌های محسوس در حس مشترک دانسته شده است. حال مسئله این است که ارتسام صورت در حس مشترک متموج، سبب رؤیت متموج می‌شود. از این‌رو چرخش یا موج‌دارشدن حس مشترک سبب پیدایش همین حالت در صورت‌های ارتسام‌یافته نیز می‌شود. از سوی دیگر لازمهٔ این مطلب، معوج‌دیدن خط مستقیم یا مستقیم‌دیدن اشیای زاویه‌دار است؛ امری که به اختلال در همهٔ ادراکات انسانی منجر می‌شود.

با توجه به این مطلب، مشخص می‌شود که مثال‌های ابن‌سینا با مدعای او تطبیق ندارند؛ زیرا در انعکاس صورتی در آب یا آینه، صورت منعکس‌یافته معلول آینه یا آب نیست (وابستگی وجودی به آن ندارد) و این دو نیز به‌دلیل مادی‌بودن، شأن ادراکی ندارند. حال آن‌که صورت‌های محسوس در حس مشترک وابستگی وجودی به آن دارند و چنین روندی زمینهٔ ادراک را در انسان فراهم می‌آورد.

۳) با توجه به این‌که حس مشترک خزانهٔ صورت‌های علمی محسوس است، لازمهٔ چرخش آن به جهات راست یا چپ، دیده‌شدن صورت ادراکی در همان جهت چرخش‌یافته می‌باشد. از این‌رو چرخش حس مشترک با اختلال در جهات ادراکات حسی ملازمه دارد (اختلال در جهات اشیای ادراک‌شده)، اما ابن‌سینا از این مطلب دوبینی را نتیجه‌گیری کرده است. با وقوع اختلال گفته‌شده در ادراکات بینایی، نتیجه‌گیری ابن‌سینا یعنی وقوع دوبینی در حالت گفته‌شده قابل پذیرش نیست؛ زیرا دوبینی ادراک دوبارهٔ یک شیء در یک مکان و جهات مشابه است. حال آن‌که بیان کردیم پذیرش این استدلال به معنای اختلال در جهات مدرَکات می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تنها نظریهٔ مطرح‌شده در حکمت و فلسفهٔ اسلامی در مورد چگونگی عارض‌شدن دوبینی به انسان، از سوی ابن‌سینا ارائه شده است. این نظریه مبتنی بر مسائل و مبانی متعدد طبی و فلسفی ابن‌سینا می‌باشد که ابن‌سینا برای تبیین اختلال دوبینی، بر حس مشترک و کارکرد آن در دریافت و ادراک صورت‌های علمی تمرکز می‌کند. حواس پنج‌گانه نقش ادراکی در ادراک صورت‌های علمی ندارند، بلکه کارکرد آنها، آلت حس مشترک‌بودن است و فعل اصلی ادراک توسط حس مشترک انجام می‌گیرد. از این‌رو در صورت ورود دو صورت علمی از یک شیء خارجی به حس مشترک توسط دو چشم و تطبیق‌نیافتن آنها با هم، اختلال در اعضا و قوای محسوس ادراکی، ثبات‌نداشتن حس مشترک و ... اختلال ادراکی دوبینی روی می‌دهد. به‌نظر می‌رسد که تخیل یا توهم صورت‌های علمی و ورود آنها به حس مشترک نیز به اختلال دوبینی در انسان منجر می‌شود. به‌نظر می‌رسد که ازنظر فلسفی، مهم‌ترین دلیل روی‌دادن دوبینی همین علت می‌باشد و اختلال در کارکرد اعضای مادی، صرفاً نقشهٔ زمینه‌ساز روی‌دادن دوبینی در انسان است.

تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافعی ندارد.

حمایت مالی

این مقاله هیچ حامی مالی‌ای ندارد.

References:

1. Elgood CL. A medical history of Persia and the eastern caliphate from the earliest times until the Year A.D. 1932. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir; 1977. P:161. [In Persian]
2. Sahihi Oskooei MGH, Ghassemi Boroumand M, Kangari H, Beig Babapour Y, Abbasi M. The importance of establishing an optical museum considering the visual theories in works of Greeks, Ebn Haisam, Razi, Avicenna, and managing the visual problems of the eye with spectacles in 4th & 3rd millennium bc. Medical History. 2011;3(7):77-94.
3. Beig Babapoor Y. A study on the development of vision theory in scientists'works in Eslamic era. Medical History. 2010;2(3):37-66.
4. Fārābī AM. *Al-Jam' Bayna Ra'yay al-Hakimayn*. Tehran: Maktabat al-Zahra; 1984. P:91-94. [In Arabic].
5. Razi FM. *Mabāhith al-Mashriqiyya fī 'Ilm al-Ilāhiyyāt wa-'l-Tabi'iyyāt*. Edited by Bidarfar M. Qom: Bidar Pubicatuions; 1990. P:194. [In Arabic].
6. Mullā Sadra M. *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi-l-Asfar al-'Aqliyyah al-Arba'ah* .Beirut: Dār Ihyā` al-Turāth al-Arabī; 1981. P:195. [In Arabic].
7. Avicenna. *Al-Mabda' wa al-Ma'ād*. Edited by Nurani A. Tehran: Institute of Islamic Studies- McGill University; 1984. [In Arabic].
8. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb*. Translated by Masoudi A. Kashan: Morsel; 2007. [In Persian].
9. Avicenna. *Mi'raj Nama*. Edited by Karimi B. Rasht: Urwat al-Wuthqa; 1973. [In Persian].
10. Avicenna. *Danishnama-i 'Ala'i, Al-Tabi'iyyat*. Edited by Meshkat SM. Hamadan: Bu-Ali Sina University; 2004. P:137. [In Persian].
11. Avicenna. *Al-Nafs min Kitāb al-Shifā'*. Edited by Hassanzadeh Amoli H. Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmī; 1996. [In Arabic].
12. Avicenna. *Risalah Nafs*. Edited by Amid M. Hamadan: Bu-Ali Sina University; 2005. [In Arabic].
13. Avicenna. *Quradih Tabi'iyyat*. Edited by Seddiqi GH. Tehran: Association of National Artifacts; 1953. [In Persian].
14. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb*. Beirut: Dār Ihyā` al-Turāth al-Arabī; 2005. [In Arabic].
15. Avicenna. *Kitab Al-Shifā', Al-Tabi'iyyat*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications; 1983. [In Arabic].
16. Avicenna. *Al-Isharat wa al-Tanbihat*. Qom: Al-Balagha; 1996. P:258. [In Arabic].

An analytical-critical examination of double vision in Ibn Sina's perspective regarding common sense dysfunctions

Mahmoud Saidiy[a]*, Ehsan Kordi Ardakani[b]

[a]Department of Islamic Philosophy and Wisdom, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran
[b]Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Ardakan, Iran

Abstract

One of the topics of visual perception is double vision (diplopia), in which two of a single external object are seen by a affected individuals. Ibn Sina is the first Muslim philosopher who endeavored to find the causes of this human vision disorder. The purpose of this research is to investigate the cause of double vision in Ibn Sina's perspective. The method of this research is of a critical-analytical type, which examines double vision disorder in Ibn Sina's perspective by referring to library sources. The factors that Ibn Sina presents to explain this phenomenon are based on the function of common sense and its role in receiving and perceiving sensory forms. The common sense is the faculty that receives perceptions of all five senses, and plays an essential role in sensory perceptions. From Ibn Sina's point of view, non-adaptation of scientific forms in it, disorders in material organs or structures, the imagination of two scientific forms of an external object and its entry into the common sense are the reasons for the occurrence of double vision disorder in humans.

Keywords: Diplopia, Eye, Sensation, Imagination

Corresponding Author: m.saidiy@shahed.ac.ir